



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه نود و چهارم؛ سه شنبه ۱۴۰۰/۱/۱۷ (فقه معاصر هجدهم)

شبهه هفتم: ماینر، تحت چه عنوانی مالک جایزه می شود؟

[شبهه و یا به تعبیر بهتر] سؤال دیگری که در مورد رمزارزها مطرح شده آن است که ماینر - یعنی شخصی که ماینینگ انجام می دهد و بیت کوین به او جایزه داده می شود - تحت چه عنوانی مالک است؟

جواب این سؤال از ضمن مطالب گذشته معلوم است، منتها برای اینکه روشن تر شود می گوئیم: مالک بودن ماینر به این جهت است که آن بیت کوین ها کسب او می باشد؛ چراکه برنامه بیت کوین، ابزاری است برای تهیه و رسیدن به چنین بیت کوینی و وضعش این گونه است که مجاناً در اختیار همه باشد؛ نظیر اینکه کسی با ابزاری که در اختیار دارد، چیز جدیدی را کسب کند؛ مثلاً رنگ، قلم و کاغذ مال اوست و با آنها یک تابلو ترسیم کند که معلوم است این تابلو مال اوست؛ چراکه حاصل کار او می باشد و یک نوع نمایی برای کار و زحمت اوست. بنابراین مالک آن تابلو می باشد حتی اگر طرح آن را به تقلید از دیگری کشیده باشد، مگر در صورتی که ممنوع باشد از تابلوی دیگری تقلید کند که موضوع دیگری است.

ما نحن فيه نیز چنین است و فردی که ماینینگ انجام می دهد، تلاش و کسب خود اوست، لذا اطلاق آیه شریفه ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^۱ که بنابر اظهر شامل چنین مسائل می شود، شامل او هم خواهد بود. و اگر فرضاً کسی در دلالت آیه شریفه مناقشه ای داشته باشد، قاعده کلیه متبّع عند العقلاء این

۱. سورة مبارکه نساء، آیه ۳۲.

است که اگر کسی کاری با ابزار خودش انجام دهد، مال خود اوست و کسی نمی‌تواند بدون رضایتش از آن استفاده کند و این سیره عقلانی، غیر مردوعه و ممضه است.

بحمدالله به آخرین سؤالی هم که در مسئله مطرح شده، پاسخ دادیم. البته لعل مناسب بود توضیحات دیگری هم ذکر کنیم، اما از آنجا که وقت محدود است و این توضیحات هم ارزش علمی ندارند و فقط ارزش توضیحی دارند، لذا از آن صرف نظر می‌کنیم.

بررسی فقهی ارز SDR

«SDR» [نوعی ارز بین‌المللی است که] از حیثی عجیب‌تر از ارز بیت‌کوین است. «SDR» مخفف عبارت (special drawing rights) و به معنای حقوق برداشت مخصوص است، ولی بهتر است در فارسی حق برداشت مخصوص بگوییم به نحو جنس. برای اینکه احکام «SDR» روشن شود، احتیاج دارد که مقداری درباره ماهیت آن توضیح دهیم.

توضیحی اجمالی درباره ماهیت SDR

«SDR» نوعی پول یا به تعبیر بهتر ارزی است که صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۲ آن را ابداع کرده است. به حسب آنچه گزارش داده‌اند، صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۴۴ میلادی طراحی شد و در سال ۱۹۴۵ فعالیتش را آغاز کرد. صندوق بین‌المللی پول نشیب و فرازهایی داشته است، همچنین نهادهایی که توسط آن بنا نهاده شده نیز نشیب و فرازهایی داشته است که رسیدگی کامل به آنها فعلاً برای ما چندان مهم نیست، لذا از آن می‌گذریم. در آن دورانی که کشورهای متعهد به نظام برتون وودز می‌بایست ارزهای ملی خود را با نرخ ثابت و براساس دلار آمریکا در مبادلات بین‌المللی به کار می‌بردند و پول ملی آنها نمی‌بایست شناور باشد^۳، گاهی با گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی زیادی مواجه می‌شدند و گرفتار کسری شدید تراز پرداخت‌های بین‌المللی می‌شدند به گونه‌ای که به سادگی نمی‌توانستند از پس آن برآیند. صندوق بین‌المللی پول برای این تشکیل شد که به کشورهای عضو کمک کند تا به طور موقت کسری تراز پرداخت‌هایشان را جبران کنند و مزایایی برای اعضای خود در نظر گرفت؛ بلاشبیه نظیر صندوق‌های قرض‌الحسنه که برای سهامداران خود مزایایی قرار

۲. International Monetary Fund.

۳. مگر به اندازه ۱٪ منفی یا مثبت.

می‌دهند.

دولت‌هایی که می‌خواستند در صندوق بین‌المللی پول عضو شوند - که در ابتدا تعداد آنها کم بود - می‌بایست مقداری طلا و نیز مقداری ارز ملی خود را در این صندوق می‌گذاشتند، که البته این رویه بعداً تغییر کرد. به هر حال در آن زمان که دولت‌ها در بازرگانی بین‌المللی می‌بایست ارزش پول خود را براساس نرخ ثابت و میخکوب با دلار تنظیم می‌کردند، قدرت مانور کمی داشتند و گاهی می‌شد که کسری شدید تراز پرداخت‌ها پیدا می‌کردند؛ به این معنا که واردات آنها بیش از ارزی بود که به دست می‌آوردند و برای واردات خود به مقدار کافی ارز معتبر نداشتند. و از آنجا که باید ارزش پول‌شان را تقریباً به طور ثابت با دلار آمریکا حفظ می‌کردند، لذا ناچار می‌شدند که وارداتشان را کم کنند. و وقتی وارداتشان را کم می‌کردند، هم مشکلات داخلی برای خودشان و هم مشکلات اقتصادی برای کشورهای صادرکننده پدید می‌آمد؛ زیرا کم شدن واردات این کشورها به این معنا بود که مشتری و تقاضای کافی برای تولیدات آمریکا، انگلیس و امثال اینها وجود نداشت و وقتی تقاضا نباشد، اجناس آنها فروش نمی‌رود و در نتیجه درآمد آنها کاهش پیدا می‌کند و وقتی درآمد نداشتند، باید تولید را کاهش می‌دادند و کاهش تولید به این معنا بود که باید کارگران را اخراج می‌کردند. خلاصه اینکه ظرفیت منابع تولیدی پایین می‌آمد و لامحاله درآمد عمومی آنها کم‌تر می‌شد و با یک ضریب فزاینده منفی، اقتصادهایشان رو به کساد می‌گذاشت و این برای آنها پدیده مطلوبی نبود. بدین جهت کشورهای مسلط آن زمان مانند آمریکا، انگلیس و بعضی کشورهای دیگر، برای رهایی از این گرفتاری‌ها درصدد برآمدند صندوق بین‌المللی پول را تأسیس کنند تا اقتصاد آنها از رونق نیفتد. به این نحو که کشورهایی که دچار کسری تراز پرداخت شده بودند و ارز معتبر خارجی نداشتند، به طور موقت می‌توانستند از همان سهم خودشان که در این صندوق از پول ملی خود داشتند، به کشور دیگری بدهند و به تناسب ارزش آن، ارز معتبر برای واردات خود دریافت کنند؛ مثلاً ایران که ریال داشت، آن ریال را می‌داد و از کشوری که دارای ارز معتبر بود، ارز می‌خرید و با آن ارز تراز پرداخت‌هایش را جبران می‌کرد.

ظاهر کار این بود که کشورها پول خود را می‌دادند و دلار یا امثال آن می‌گرفتند، منتها واقعیت قضیه به نحو دیگری بود و به نفع همان کشورهای مسلط بود؛ زیرا کشورها مجبور بودند همان پول خود را در ظرف حداکثر پنج سال بازخرید کنند و به گمانم باید بهره هم پرداخت می‌کردند. و با این کار کشورهای مسلط در واقع با

کشورهای ضعیف بازی می‌کردند تا در عین اینکه آسیبی به صادرات خودشان وارد نشود، به هیچ وجه هزینه‌ای متحمل نشوند و اسم این کار را **حق برداشت** گذاشتند. پس حق برداشت یعنی کشورها [از محل سهامی که در صندوق بین‌المللی پول داشتند] پول **ملّی** خود را بدهند و در مقابل، ارز معتبر و کلیدی برای واردات به دست بیاورند، و اسم آن سیستمی که این کار را می‌کرد **مخزن گردان** گذاشتند.

بعد از اینکه سیستم پولی - همان‌طور که در بحث بیت‌کوین توضیح دادیم - کم‌کم در طول زمان دچار تغییر شد و حالت سابق خود را از دست داد و ارزها به نحو شناور شدند و دیگر لازم نبود رابطه خود را با دلار آمریکا تثبیت کنند و دلار آمریکا هم رابطه‌اش را با طلا اوّل کم کرد و بعد کاملاً قطع کرد، صندوق بین‌المللی پول نیز روال خود را با اصلاحاتی ادامه داد و بیشتر هم به این عنوان که مشکلات اقتصادی جهانی را برطرف کند - گرچه در واقع همیشه در خدمت همان کشورهای مسلّط غربی بود - قضیه ذخایر طلایی که سهمیه دولت‌ها در صندوق بود حذف شد و فقط همان پول‌های ملّی و شاید پول‌های دیگر بود.

به هر حال این صندوق برای اینکه به اعضای خود کمک کند، احتیاج به نقدینگی داشت؛ نقدینگی‌ای که آسان و روان باشد؛ یعنی پول یا در حکم پول باشد و همان‌طور که اشاره شد قضیه ذخایر طلا حذف شد و فقط ذخایر پولی کلیدی باقی ماند. علاوه آنکه هم **قانوناً** و هم در مقام عمل، [این صندوق و کشورها] گرفتار مشکل بودند و آن حق برداشت هم به اندازه کافی نمی‌توانست اغراض آنها را محقق کند، لذا به این فکر افتادند که راه دیگری را در پیش بگیرند تا نقدینگی بین‌المللی که در اختیار صندوق بین‌المللی پول هست بالا برود. [بدین جهت ارز اعتباری جدیدی را ابداع کردند] و اسم آن را «SDR» یعنی **حق برداشت مخصوص** گذاشتند که نه طلاست و نه آن حق برداشت عمومی که توضیح دادیم که دولت‌ها بتوانند پول ملّی خود را بدهند و پول معتبر کشورهای دیگر را بگیرند و در ظرف پنج سال پول ملّی خود را بازخرید کنند.

این حق برداشت مخصوص، هیچ چیزی نیست و حتّی یک شکلک هم نیست که توسط یک رایانه تولید شده باشد، بلکه فقط و فقط **اعتباریست** که صندوق بین‌المللی پول برای اعضا به نسبت سهام‌شان در نظر می‌گیرد. فرضاً ایران فلان مقدار سهام دارد، انگلیس، فرانسه و... این مقدار سهام دارند و هکذا، و صندوق بین‌المللی پول در تناسب با این سهام، مقداری پول را فرض و اعتبار می‌کند که مثلاً ایران این مقدار حق برداشت مخصوص یا «SDR» دارد. **قیمت هر «SDR»** را در ابتدا برابر با **یک دلار** حساب می‌کردند و بعد از

تحولاتی که در صندوق بین‌المللی پول و نظام پولی بین‌المللی اتفاق افتاد، قیمت آن با سبیدی از ارزش‌های مهم دنیا تعیین می‌شد.^۴

بنابراین هر کشوری مقداری ذخایر پولی در صندوق بین‌المللی دارد و مقداری هم «SDR» دارد. اگر کشوری احتیاج به ارز داشته باشد و آن مقدار ارز را در اختیار نداشته باشد، می‌تواند «SDR» خود در این صندوق را که برای او اعتبار کرده‌اند، به کشور دیگری بدهد و در مقابل ارز آن کشور و یا ارز کشورهای دیگر را بگیرد؛ فرضاً ایران مقداری از «SDR» خود را به عراق بدهد و در مقابلش مثلاً دلار یا یورو به همان قیمتی که «SDR» دارد بگیرد. در نتیجه به «SDR» عراق اضافه می‌شود و از «SDR» ایران کم می‌شود و در عوض ایران ارز کلیدی مانند دلار یا یورو به دست می‌آورد. و اینکه «SDR» کجا باید مصرف شود، سطح آن چقدر باشد، بهره‌اش چه مقدار و چگونه باشد، منوط به تصمیم‌هایی هست که تصمیم‌گیرندگان صندوق می‌گیرند و اعضاء هم تصمیمات آنها را می‌پذیرند. و معلوم است که این تصمیم‌ها به واسطه تسلط آمریکا و اروپا و حق رأی بالا که هر کدام دارند که می‌توانند تصمیمات را وتو کنند، هیچ وقت تصمیمی که به نفع کشورهای دیگر و خصوصاً کشورهای در حال توسعه باشد اگر همراه ضرری برای آنها باشد، قانونی و اجرا نمی‌شود.

البته طبق گزارش‌ها می‌توان مستقیماً با «SDR» و بدون واسطه ارز دیگری، از کشورها چیزی خرید؛ فرضاً ایران می‌خواهد از کشوری مقداری برنج خریداری کند. ابتدا قیمت آن برنج را به دلار حساب می‌کنند و سپس میزان «SDR» مورد نیاز را به دست می‌آورند و بعد ایران به آن کشور می‌گوید این میزان از «SDR» من در صندوق بین‌المللی پول برای تو باشد و در مقابل فلان مقدار برنج به من بفروش. در نتیجه «SDR» آن کشور بالا می‌رود و «SDR» ایران کاهش پیدا می‌کند و تراز پرداخت‌های ایران بدون اینکه از ارزش‌های معروف مثل دلار و امثال آن استفاده کرده باشد، دیگر منفی نیست. بنابراین می‌توان به نحو تهاثری با «SDR» معامله کرد، هرچند

۴. قبلاً ملاک ۱۶ ارز معتبر بود که سپس به ۵ و بعد به ۴ ارز تبدیل شد، به این ترتیب که: دلار آمریکا ۴۴ درصد، یورو ۳۱ درصد، ین ۱۴ درصد و پوند ۱۱ درصد. برای محاسبه ارزش یک واحد sdr مقدار پول‌های هر ارز را در سید به دلار آمریکا تبدیل می‌کنند. مجموع این معادل‌های دلاری، یک واحد sdr را به دلار مشخص می‌کند (ارزش یک sdr = تعداد واحد پول‌ها ضرب در نرخ ارزها در برابر دلار). و در نهایت در سال ۲۰۱۵ میلادی یوآن چین نیز به سبد سنجش sdr افزوده شد و تصمیم‌گیرندگان، وزن ارزها را در این تحول جدید اینچنین انتخاب کردند: دلار آمریکا: ۴۱/۷۳ درصد، یورو ۳۰/۹۳ درصد، یوآن چین ۱۰/۹۲ درصد، ین ژاپن ۸/۳۳ درصد و پوند انگلیس ۸/۰۹ درصد.

در اواخر فروردین ۱۴۰۰، یک حق برداشت مخصوص «SDR» معدل ۱/۴ دلار می‌باشد.

الان اطلاع دقیقی نسبت به این قضیه ندارم اما طبق گزارش‌ها نباید مشکلی داشته باشد.^۵ منتها همان‌طور که اشاره کردیم، [قوانین و ضوابط این] کار به دست تصمیم‌گیرندگان صندوق بین‌المللی پول است و کشورهای مسلط کاری نمی‌کنند که کشورهای گرفتار بتوانند از تنگناها به راحتی خارج شوند. مضافاً به اینکه مقدار «SDR» هم محدود است.

تا اینجا یک نمای کلی از ماهیت «SDR» ترسیم کردیم و معلوم شد هیچ چیزی به‌جز اعتبار نیست، کما اینکه در سیر تاریخی دلار به این مطلب رسیدیم که امروزه دلار هیچ رابطه‌ای با طلا ندارد و فقط مبتنی بر همان اعتمادی هست که مردم خود آمریکا و نیز سایر کشورهای دنیا به آن می‌کنند و نیز قدرت خریدی که عملاً با پشتوانه نظام آمریکا برای دلار وجود دارد. و الا اگر کسی به فدرال رزرو آمریکا و یا مرکز دیگری مراجعه کند، در مقابل دلار مقدار معینی از طلا به او تحویل نمی‌دهند و نهایت اینکه اگر آن دلارها خیلی کهنه شده باشد، با دلار نو تعویض کنند.

به هر حال دلار و امثال آن اعتبار است، منتها اعتباری است که یک تبلور فیزیکی دارد و به افزایش یک برگه کاغذ وجود دارد، هرچند آن کاغذ هیچ فایده و ارزش ذاتی‌ای ندارد و حتی به عنوان کاغذ یادداشت هم نمی‌توان از آن استفاده کرد و پر از شکل و رنگ است و فقط برای سوزاندن [یا بعضی امور دیگر] می‌توان از آن استفاده کرد که آن هم ارزشی محسوب نمی‌شود. و یا بیت‌کوین و امثال آن هرچند اعتبار هستند، منتها اعتباری هستند که یک نوع تجلی خارجی - ولو به صورت عرض - دارند و چندتا عدد ولو مستراً در کامپیوتر فرد وجود دارد، اما ارز «SDR» اعتبار محض است و بآزاء آن هیچ چیزی در دست کشورهای عضو وجود ندارد. بله، دفتر حسابداری در صندوق بین‌المللی پول هست که در آن ثبت می‌شود هر کشوری چه مقدار «SDR» دارد و هنگام معامله چه مقدار از «SDR» فلان کشور کم و به فلان کشور اضافه می‌شود ولی هیچ نوع تجلی خارجی ندارد.

بررسی صحت بیع SDR

بعد از اینکه اجمالاً ماهیت «SDR» را توضیح دادیم، این سؤال مطرح می‌شود «SDR» که غیر از اعتبار

۵. البته یک وقتی به رئیس کل بانک مرکزی گفتم که چرا از «SDR» استفاده نمی‌کنید. ایشان در آن لحظه گفت که «SDR» باید تبدیل به دلار و امثال آن شود، منتها به نظر نمی‌آید که چنین باشد.

محض هیچ چیز دیگری نیست، خرید و فروش آن چگونه است و فرضاً اگر آن را با یورو خرید و فروش کنند، آیا بیعش صحیح است یا خیر؟ البته فعلاً به جهات فنی دیگری که در مورد «SDR» مطرح است کار نداریم، مانند اینکه در چه جاهایی مفید است و کجاها مشکلات دارد و هکذا، و در اینجا فقط از لحاظ حقوقی و فقهی می‌خواهیم بحث کنیم که آیا قابل خرید و فروش می‌باشد یا خیر و اگر کشوری «SDR» خود را به عنوان مثنی یا ثمن به کشور دیگری در قالب بیع بدهد، آیا با تعریف بیع سازگاری دارد؟ و آیا عقود دیگر از جمله مصالحه در آن راه دارد یا خیر؟

ابتدا می‌گوییم «SDR» معلوم است که به معنای دقیق پول نیست؛ زیرا تعریفی که برای پول در ابتدای مباحث رمزارزها مطرح کردیم بر آن صادق نیست.^۶ اما نسبت به اینکه آیا مال می‌باشد یا خیر می‌گوییم: بله، مال هست؛ زیرا در تعریف مال گفتیم «چیزی است که در جامعه‌ای مورد رغبت تعداد قابل توجهی از مردم باشد و به اندازه رغبت به آن در دسترس نباشد و شأنیت و قابلیت انتقال نیز داشته باشد» و معلوم است وقتی نهادی که پشتوانه‌اش تعدادی از کشورها هستند و آن نهاد را قبول دارند و ملتزم به تعهداتش هستند بگویند من فلان چیز را برای شما اعتبار کردم - و در حقیقت یعنی فلان امتیاز را به شما دادم - شکی نیست در اینکه مال می‌باشد؛ چراکه مورد رغبت عقلاء بوده و نادر هم هست و قابل انتقال نیز می‌باشد و کشورها می‌توانند با آن ولو با تعهدی که دیگران کردند، چیز معلوم‌المالیه را به دست بیاورند.

بنابراین مانعی ندارد که بگوییم «SDR» مال است ولو در یک فضای خاصی؛ چراکه فعلاً در مبادلات شخصی و غیر بین‌الدولی اعتبار ندارد. البته می‌توان آن را به مبادلات شخصی هم گسترش داد، متنها این جهت تأثیری در اصل مالیت ندارد. پس «SDR» مال است و وقتی مال شد، تعریف بیع یعنی «مبادلة مال بمال ما» بر آن صادق است. اما اگر کسی در تعریف بیع شرط بداند که مبیع باید عین باشد - کما اینکه بعضی به «مبادلة عین بمال یا تملیک عین بعوض» تعریف کرده‌اند - و مقصودشان هم عین فیزیکی باشد، در این صورت تعریف بیع بر آن صادق نیست، برخلاف صورتی که بگوییم مطلق مالیت کافی است. بله، این شرط را قبول داریم که باید مالی باشد که یک هویت مستقله‌ای داشته باشد، مانند امتیاز «تلفن، آب و برق» که هرچند عین نیستند اما

۶. پول، مالی است که به طور معمول در یک اجتماع می‌تواند عوض هر کالا و یا خدمت، در هر شرایطی قرار گیرد.

امتیازاتی هستند که هویت مستقله‌ای دارند و قبلاً شواهدی بر این مطلب ذکر کردیم، از جمله حق سکنا‌ی در اراضی خراجیه که چون یک هویت مستقله‌ای دارد، بیع آن مانعی ندارد؛ اعم از اینکه به عنوان معوض باشد یا به عنوان عوض.

بنابراین «SDR» هرچند یک امتیاز و حق است، اما در عین حال مال بوده و هویت مستقلی دارد ولذا قابل بیع می‌باشد. و حتی آن مشکلی که در مورد بیت‌کونین مطرح بود که اولین بیت‌کونین ارزش و مالیت نداشته، در اینجا وارد نیست؛ زیرا از ابتدا به نحوی طراحی شده که مالیت دارد، لامحاله قابل خرید و فروش می‌باشد و معاملات دیگر هم بر آن انجام می‌شود. بله، اگر در معامله‌ای براساس دلیلی استنباط کردیم که حتماً باید عین باشد، معلوم است که آن معامله در «SDR» جاری نیست، منتها غیر از این جهت، قابل خرید و فروش و مصالحه است و همه احکامی را که برای مال ذکر کردیم با آن خصوصیتی که در بحث بیت‌کونین گفتیم، در اینجا هم جاری است.

و همان‌طور که اشاره کردیم «SDR» ممکن است در طول زمان تغییراتی پیدا کند؛ الان آن مقداری که ما می‌دانیم فقط بین دولتهاست و نهادهای دیگر قانوناً نمی‌توانند از آن استفاده کنند. البته اصل اطلاعاتی که در این زمینه دارم مربوط به نزدیک چهل سال پیش است^۷، هرچند بعضی مقالات جدید را هم نگاه کردم، منتها

۷. در آن زمان استاد مالیه بین‌الملل خوب و متینی بود به نام دکتر محمد حسین تمدن جهرمی رحمته‌الله که کتابی به نام «مالیه بین‌الملل» نوشته بود و در آن روابط پولی و مالی بین‌الملل را انصافاً خوب تشریح کرده بود. این کتاب در حدود سال ۶۴ منتشر شد و من همان حدوداً این کتاب را مطالعه کردم و در بعضی قسمت‌هایش ولو نادراً توضیح گذاشتم و اساس اطلاعاتم مربوط به آنجاست. قبل از آن زمان مقاله‌ای را در مجله نور علم جامعه مدرسین در رابطه با مصرف منتشر کردم «۱۳۶۳» که ایشان آن را در آنجا یا جای دیگر مطالعه کرده بود و در سفری که به قم داشتند به دعوت یکی دیگر از اساتید اقتصاد که با ما همکاری داشت، دیداری با هم داشتیم و نظر و پیشنهاد خاصی در رابطه با این مقاله داشتند که مطلب خوبی بود. البته این مقاله بعداً در ضمن کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی» نشر سمت، به همراه مباحث تولید و توزیع از اینجانب و برخی مباحث دیگر انتشار یافت و ظاهراً مکرر به چاپ رسیده است.

به هر حال بعضی از اقتصاددان‌ها - از جمله در همین کتابی که گفتیم حالا یا از خودش یا از دیگری - اظهار خوشبینی می‌کردند و امید داشتند که «SDR» تبدیل به یک ارز بین‌المللی و نقدینگی بین‌المللی شود که پای دلار و بازی کردن‌های مثل دلار، پوند و یورو که بعداً پیدا شد از اقتصاد بین‌المللی کوتاه شود و نتوانند مثل این تحریم‌هایی که الان انجام می‌دهند و بعضی از محرومیت‌های دیگر را انجام بدهند، منتها این یک ساده اندیشی بود که فکر می‌کردند همان قدرت‌های مسلط با حسن نیت، صندوق بین‌المللی پول، حق برداشت، «SDR» و امثال آنها را درست کردند، در حالی که فی‌الواقع معمولاً طوری این امور را تنظیم و هدایت کردند که خودشان بتوانند بیشترین بهره‌برداری ممکن را بکنند. و باید دانست این کشورها هرگز کاری نمی‌کنند که به اختیار خودشان مهار اقتصاد جهانی و ابزارهای فشار بر دیگر کشورها از دستشان خارج بشود.

اساسش تفاوتی نکرده و فقط بعض امور غیراساسی تفاوت‌هایی داشته است.

آنچه مربوط به ماهیت «SDR» و حکم آن از لحاظ فقهی بود را ذکر کردیم و گمان نمی‌کنم بیش از این نیاز به توضیح داشته باشد.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی